

اخلاق و آداب سفر

عمره مفرده

(سید امیر حسین طالقانی)

مرکز آموزش حج و زیارت استان اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

بخش اول : اخلاق

۱ - معنای لغوی اخلاق

اخلاق کلمه ای است به صیغه جمع ، که مفرد آن خُلُق است .

خُلُق (با خاء مضموم) در لغت به معنای خوی ، سرشت ، طبع و عادت است و اخلاق در لغت به معنای عادات ، خصلتها و صفات روحی و باطنی می باشد .

البته ریشه خلق به دو گونه استعمال می شود :

الف - هرگاه خُلُق با خاء فتحه دار استعمال شود به معنای هیئت و شکل ظاهری می باشد که معمولاً به شکل ظاهری انسان « خُلُق » گفته می شود .

ب - هرگاه خُلُق با خاء ضمه دار استعمال شود به معنای خوی و سرشت است و معمولاً به شکل باطنی و درونی انسان « خُلُق » گفته می شود .

و در علم اخلاق قسم دوم (خُلُق با خاء ضمه دار) مورد نظر است .

۲ - معنای اصطلاحی اخلاق (تعریف علم اخلاق)

در میان علوم انسانی ، علم اخلاق یکی از مهمترین شاخه های علوم در تربیت انسان شمرده می شود و به علمی گفته می شود که : تشکیل شده از مجموعه اصول و دستورهای معیاری و سنجشی است که شایسته است صفات و رفتارهای انسانها مطابق آن قرار گیرد و این علم از صفات خوب و بد و ریشه ها و آثار آنها سخن می گوید .

۳ - اقسام علم اخلاق

علم اخلاق بر دو قسم است :

الف - اخلاق نظری : علمی است که در باره ۱ - فلسفه اخلاق ، ۲ - پایه ها و مبانی اخلاق و ۳ - صفات و اعمال اخلاقی و ریشه ها و آثار آنها سخن می گوید .

ب - اخلاق عملی : علمی است که در باره شناخت صفات اخلاقی و روش ایجاد یا از بین بردن آنها سخن می گوید و به واقع فنی است برای تغییر وضعیت نامطلوب موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب در اخلاق .

۴ - مصالح و مفساد انسان

برای وجود انسان عوامل مثبت و سازنده ای وجود دارد که سبب رشد و تکامل آن شده که از آن به مصالح وجود انسان تعبیر می شود ، از طرف دیگر عوامل منفی و مخربی وجود دارد که سبب فساد و تخریب شده و از آنها بعنوان مفساد وجود انسان یاد می شود . بدیهی است این مصالح و مفساد هم برای جسم و هم برای روح قرار دارند :

الف - مصالح و مفساد جسمی : اموری هستند که ظهور آنها در جسم ، مصلحت و لذت جسم و یا در مقابل فساد و ناراحتی جسم را بدنبال دارد .

ب - مصالح و مفساد روحی : اموری هستند که ظهور آنها در روح ، مصلحت و لذت روحی و یا فساد و اندوه روحی بدنبال دارد .

۵ - اخلاق عملی و مصالح و مفساد روحی

اخلاق عملی ، علمی است که در آن به تشخیص مصالح و مفساد روح و باطن انسان پرداخته می شود مصالح روحی او معرفی می شود و راه و مسیر چگونه رسیدن به این مصالح و مزین شدن به صفات و ملکات زیبای اخلاقی به او نشان داده می شود . در مقابل ، مفساد روحی او بیان شده و راه و مسیر چگونه دور شدن از این مفساد و پاک شدن از صفات و رذائل زشت اخلاقی به او نشان داده می شود .

۶ - اقسام صفات اخلاقی

صفات و ملکات بر دو دسته تقسیم می شوند :

الف - مکارم اخلاقی : به صفات و ملکات خوب و پسندیده که سبب تعالی و تکامل روح انسان می شوند ، گفته می شود .

ب - رذائل اخلاقی : به صفات و ملکات بد و ناپسند که سبب انحطاط و سقوط روح انسان می شوند گفته می شود . قابل توجه اینکه در مباحث اخلاق عملی ، پس از معرفی مکارم اخلاق ، راهکار های رسیدن به آن معرفی می شود و پس از بیان رذائل اخلاقی ، چگونه دوری کردن و ابزار های فاصله گرفتن از آنها ارائه می شود .

۷ - فضائل اخلاقی (عوامل رشد روح)

- | | | |
|---------------------------|-------------------------|-------------------------------|
| ۱ - عدالت و میانه روی | ۲ - تحصیل علم | ۳ - یقین و اعتقاد کامل به خدا |
| ۴ - فکر در باره الطاف خدا | ۵ - آرامش و اطمینان قلب | ۶ - خوف از خدا |
| ۷ - امید به رحمت خدا | ۸ - قوت نفس | ۹ - غیرت داشتن |

- ۱۰ - وقار و طمأنینه
 ۱۱ - حسن ظن به خدا و مردم
 ۱۲ - حلم و بردباری
 ۱۳ - کظم غیض و کنترل غضب
 ۱۴ - عفو و بخشش
 ۱۵ - خوش اخلاقی
 ۱۶ - شکسته نفسی کردن
 ۱۷ - تواضع و فروتنی
 ۱۸ - انصاف
 ۱۹ - زهد
 ۲۰ - قناعت
 ۲۱ - بی نیازی و طمع نداشتن
 ۲۲ - سخاوت
 ۲۳ - اجتناب از مال حرام
 ۲۴ - برآورده کردن حوائج مومنین
 ۲۵ - امر به معروف و نهی از منکر
 ۲۶ - صلح رحم
 ۲۷ - محبت به مومنین
 ۲۸ - انجام حقوق والدین
 ۲۹ - رعایت حقوق همسایگان
 ۳۰ - مدح مومنین
 ۳۱ - صداقت
 ۳۲ - کنترل زبان
 ۳۳ - دوری از شهرت
 ۳۴ - اخلاص
 ۳۵ - یاد مرگ نمودن
 ۳۶ - توبه
 ۳۷ - محاسبه و مراقبت از نفس
 ۳۸ - مناجات با خدا
 ۳۹ - حب و بغض در راه خدا
 ۴۰ - رضایت از قضاء الهی
 ۴۱ - توکل
 ۴۲ - شکر
 ۴۳ - صبر

۸ - رذائل اخلاقی (موانع رشد روح)

- ۱ - جهل مرکب
 ۲ - شک و حیرت
 ۳ - شرک به خدا
 ۴ - وسواس
 ۵ - مکر و حيله
 ۶ - خوف از غیر خدا
 ۷ - ایمنی از عذاب خدا
 ۸ - نا امیدي از رحمت خدا
 ۹ - ضعف نفس
 ۱۰ - سست همت بودن
 ۱۱ - بی غیرت بودن
 ۱۲ - عجز و شتابزده بودن
 ۱۳ - سوء ظن به خدا و خلق
 ۱۴ - غضب
 ۱۵ - انتقام کشیدن
 ۱۶ - تند خو بودن
 ۱۷ - بد اخلاقی
 ۱۸ - عداوت و دشمنی
 ۱۹ - عجب و خودپسندی
 ۲۰ - تکبر
 ۲۱ - فخر فروشی
 ۲۲ - ظلم و ستم
 ۲۳ - خودستایی نمودن
 ۲۴ - کتمان حق
 ۲۵ - قساوت قلب
 ۲۶ - محبت دنیا
 ۲۷ - بی نیازی در برابر خدا
 ۲۸ - حرص
 ۲۹ - طمع
 ۳۰ - بخل
 ۳۱ - اجتناب نکردن از مال حرام
 ۳۲ - خیانت
 ۳۳ - سخن باطل گفتن
 ۳۴ - بیهوده سخن گفتن
 ۳۵ - حسد
 ۳۶ - اهانت به مردم
 ۳۷ - ترک کمک به مومنین
 ۳۸ - کوتاهی در امر به معروف
 ۳۹ - دوری از مومنین
 ۴۰ - قطع رحم
 ۴۱ - عیب جوئی از مردم
 ۴۲ - افشاء راز مردم
 ۴۳ - بهم زدن رابطه مردم
 ۴۴ - سرزنش کردن
 ۴۵ - تمسخر و استهزاء
 ۴۶ - مزاح و شوخی بی مورد
 ۴۷ - دروغ
 ۴۸ - نفاق و دورویی
 ۴۹ - ریاء
 ۵۰ - غیبت
 ۵۱ - دروغ
 ۵۲ - حب جاه و شهرت
 ۵۳ - حب مدح و تملق گوئی
 ۵۴ - نفاق و دورویی
 ۵۵ - فریب خوردن
 ۵۶ - طولانی بودن آرزوها
 ۵۷ - غفلت از حال خود
 ۵۸ - نفرت از دیگران
 ۵۹ - غفلت از حال خود
 ۶۰ - نفرت از دیگران

۶۳ - کفران نعمت

۶۲ - بی اعتمادی به خدا

۶۱ - غم و اندوه برای دنیا

۶۵ - فسق

۶۴ - جزع و بی تابی نمودن

۹- روش تربیت روح و صورت باطنی

- ۱ - آشنائی کامل با فضائل و رذائل اخلاقی .
- ۲ - دوری کردن از کسانی که اهل معصیت و رذائل اخلاقی هستند .
- ۳ - همنشینی با کسانی که اهل عبادت و فضائل اخلاقی هستند .
- ۴ - نزدیک شدن و مواظبت بر کارهایی که دارای آثار طیبیه بوده و عوامل رشد و تعالی روح انسان می باشند .
- ۵ - اجتناب از مواردیکه قوای شهوت و غضب را تحریک کرده ، از موانع رشد و تکامل روح انسان می باشند .
- ۶ - تفکر و تدبیر ، در اعمال و رفتار خویش و شناختن عیوب خود .
- ۷ - محاسبه نفس ، بدینگونه که در هر شبانه روز در زمان معینی به محاسبه نفس خود پردازد .
- ۸ - مراقبت نفس ، بدینگونه که دائما مراقب ظاهر و باطن خود باشد که معصیت انجام نداده و واجبی ترک نکند .
- ۹ - مشارطه با نفس ، بدینگونه که در هر شبانه روز با نفس خویش شرط و عهد و پیمان ببندد که تخلف نکند .
- ۱۰ - معاتبه نفس ، بدینگونه که هنگام محاسبه اگر او را متخلف یافت ، نفس خود را به سختی عتاب و سرزنش کند و با موظف کردن به عاداتهای حسنه ، آن را مجازات نماید .

بخش دوم : آداب سفر

الف - آداب قبل از سفر

۱ - تعیین هدف

سیر و سفر با انگیزه‌های دینی و عقلانی، از دیدگاه اسلام امری پسندیده و مقبول است. خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم مردم را به سیر و گردش در زمین دعوت نموده، از آنان خواسته است تا با سفر به گوشه و کنار جهان، در تاریخ و سرنوشت نهایی ملت‌ها بیاندیشند و از حوادث، رخدادها و خوب و بد زندگی امت‌های گذشته درس عبرت بگیرند:

«أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ...» (غافر ۲۱)

«آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آن‌ها زیسته‌اند چگونه بوده است؟»

سفر الهی و معنوی حج نیز به دلیل اهمیتی که در اسلام دارد باید با انگیزه‌ای الهی و با قصد قربت و به صورتی هدفمند انجام شود تا حاجی بتواند به دستاوردهای در نظر گرفته شده از سوی خداوند، دست یابد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«الْحَجُّ حَجَّانٍ: حَجٌّ لِلَّهِ وَ حَجٌّ لِلنَّاسِ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۱۰۹)

«حج دو گونه است: ۱- حج برای خدا ۲- حج برای مردم، پس آن کس که برای خدا حج گزارد، از خداوند پاداش بهشت گیرد و آن کس که برای مردم حج به جای آورد، پاداش آن در روز قیامت با مردم است!»

از این روایت به خوبی می‌توان فهمید که هدف و انگیزه تا چه اندازه در سفر حج تأثیرگذار است.

بنابراین اگر حاجی با هدف خداخواهی، خداجویی، تحول روحی و اخلاقی، و پالایش روح و جان در این راه گام نهد، اعمال و رفتار خود را نیز با این اهداف منطبق می‌سازد و در نتیجه در حرمین شریفین پیوسته به نماز و دعا و عبادت و تفکر در حقایق اسلام و تاریخ زندگی پیامبران و امامان و یاران باوفا و پاکبخته آنان می‌پردازد، از لحظه لحظه سفر بهره‌گیری می‌کند، پرده‌های غفلت را از جلو چشمانش کنار می‌زند تا هنگام رسیدن به مرقد معشوق در مدینه و معبد عشق در مکه، کاملاً روح و جان خویش را صیقل داده، رنگ الهی و معنوی به خود بگیرد.

۲- توبه و استغفار

پس از آن که خداخواهی و خداجویی به عنوان هدف مشخص شد، حاجی باید زنگارهای گناه و معصیت را از جان و دل بزدايد، و روح را از تیرگی‌ها پاک کند تا زمینه را برای راه‌یابی به محضر حق و حریم عشق و پذیرش در پیشگاه معبود فراهم سازد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا ارَدْتَ الْحَجَّ ... ثُمَّ اغْسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ ...» (تهذیب ج ۵، ص ۴۶۳)

«هرگاه اراده حج کردی ... با آب توبه خالص گناهانت را بشوی ...»

حاجی در سفر حج و عمره میهمان خداوند است و از آن‌جا که خالق، به ظاهر خلق نمی‌نگرد بلکه به باطن نظر دارد، لذا به روح و جان حاجی نظر می‌افکند و روا نیست انسان با آلودگی به محضر حق وارد شود.

عادت مردم در میهمانی‌ها این است که از محل کار خود به خانه رفته، جسم خویش را شستشو داده، لباس‌های تمیز پوشیده، موها را شانه زده، خود را معطر می‌کنند و سپس به میهمانی می‌روند و هرچه میزبان در نظر آن‌ها مهم‌تر باشد، این‌گونه آداب را بیشتر رعایت می‌کنند. حال چه کسی از خداوند عظمتش بیشتر است؟ آیا از ادب به‌دور نیست که انسان در پیشگاه خالق و آفریننده خود با قلبی مالا مال از گناه و معصیت شرفیاب شود؟ خدایی که به تمام افکار و اسرار نهران ما آگاه است، اعمال ما را می‌داند و از نیات ما باخبر است.

از این رو پیش از ورود به حرمین شریفین لازم است حاجی خانه دل را از گناه پاک نماید، آن‌گاه به‌سوی کوی دوست حرکت کند.

توبه نیز باید حقیقی و به بیان قرآن کریم توبه نصح باشد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (تحریم ۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان، بدی‌هایتان را از شما بزدايد و شما را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد ...»

توبه نصح، توبه بدون بازگشت است و نیازمند یک تصمیم جدی و قاطع. روشی که برای دستیابی به توبه نصح از سوی پیشوایان دینی ارائه گردیده، چنین است:

گناهکار ابتدا باید از عملکرد بد خویش پشیمان شود، سپس تصمیم بگیرد از این پس خود را به معاصی نیالاید و گناهان مرتکب شده را ترک گوید، آن گاه از پیشگاه خداوند طلب مغفرت و آموزش کند.

گناهان نیز بر دو قسم اند:

۱- حق الله ۲- حق الناس

دسته اول گناهیانی است که مستقیماً به خداوند ارتباط پیدا می کند، مثلاً نمازی را نخوانده، روزه ای نگرفته و ...

توبه این گونه گناهان آن است که انسان از نافرمانی خداوند پشیمان شود، سپس تصمیم بگیرد گذشته را جبران کند، نمازها و روزه ها را قضا نماید و از این پس نیز فرایض دینی را در موعد مقرر به جای آورد. آن گاه از خداوند طلب مغفرت و آمرزش کند.

دسته دوم گناهیانی است که به مردم ارتباط پیدا می کند، همچون غیبت، افترا، سرقت، ظلم و ستم و ...

توبه این گونه گناهان، پس از پشیمانی و تصمیم به ترک گناه، آن است که در صورت امکان رضایت مردم را جلب و سپس از پیشگاه حق، طلب مغفرت نماید. اگر مالی از کسی به زور گرفته، آن را به صاحبش برگرداند و اگر صاحبش را نمی شناسد با اذن مرجع تقلید از سوی صاحب اصلی صدقه دهد، اگر غیبت دیگران را کرده از آن ها حلالیت بطلبد و پس از آن استغفار نماید.

۳- اخلاص در نیت

اخلاص شرط اساسی در تمامی عبادات است، هر کس عبادتی را برای خودنمایی و ریا و یا دستیابی به امور مادی و دنیایی انجام دهد، از آن عمل هرگز بهره و نصیبی نخواهد برد.

این اصل مهم به اندازه های کارساز و تعیین کننده است که اگر رزمنده و جهادگری در میدان نبرد شرکت کند و هدفش دستیابی به غنائم جنگی و یا چیره شدن و انتقام گیری از دشمن باشد و در این راه کشته شود، شهید به حساب نمی آید.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (صحیح مسلم ج ۶ ص ۴۶) «جز این نیست که اعمال به نیتها است.»

در حدیثی دیگر فرمود:

«إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا، لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالَ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا» (بحار الانوار ج ۷۷ ص ۱۰۳)

«هرگاه کاری را انجام دادی، آن را تنها برای خدا انجام ده؛ زیرا خداوند تنها اعمال خالص را از بندگان خود می‌پذیرد.»

پس بر سالکان این طریق است که با نیتی پاک و خالص در سرزمین وحی گام نهند، دل به غیر خدا نبندند و در انجام اعمال جز قرب و نزدیکی به حق تعالی چیز دیگری را نخواهند و در نظر نگیرند.

۴ - زاد و توشه حلال

بر حاجی است که هزینه سفر و زاد و توشه خود را از مال حلال بگیرد تا توفیق عبادت پیدا کند و بتواند در بهترین اماکن روی کره زمین، شیرینی مناجات با خدا را لمس و از عبادات خود لذت ببرد.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ. (بقره ۱۷۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاک و پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و خدا را شکر کنید، اگر تنها او را می‌پرستید.»

استفاده از زاد و توشه حلال و بهره‌گیری از نعمت‌های پاک، وظیفه رسولان و همه مؤمنان و دلباختگان به خداوند است. و آن‌ها که اموالشان را از راه حرام و یا شبهه‌ناک به دست آورده‌اند، باید پیش از سفر، دارایی خود را تزکیه کنند، خمس و زکات و ردّ مظالم و دیگر حقوق مردم را به صاحبان اصلی آن بپردازند، سپس لباس احرام بپوشند و گرنه، در میقات پذیرفته نمی‌شوند و هرگز در حریم کبریایی حق وارد نخواهند شد، گرچه به صورت ظاهر جسم آنان در چنین اماکن مقدسی در گردش باشد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«لا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَجًّا وَ لا عُمْرَةً مِنْ مَالٍ حَرَامٍ». (بحار الانوار ج ۹۶، ص ۱۲۰)

«خداوند حج و عمره با مال حرام را نمی‌پذیرد.»

و در روایتی دیگر فرمود:

«مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ أَرْبَعٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي أَرْبَعٍ: مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ غُلُولٍ أَوْ رِبَا أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سَرِقَةٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاةٍ وَ لا فِي صَدَقَةٍ وَ لا فِي حَجٍّ وَ لا فِي عُمْرَةٍ». (امالی صدوق ص ۴۴۲)

«کسی که از چهار طریق مالی به دست آورد، هزینه کردن آن درآمد، در چهار چیز پذیرفته نمی‌شود:

کسی که مالی را از راه فریب، ربا، خیانت و یا سرقت به دست آورد و با آن زکات یا صدقه دهد و یا به حج و عمره رود، خداوند از او نمی‌پذیرد.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: هنگامی که مردی با مال حرام به حج می‌رود و [در میقات] می‌گوید:
«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ...»؛ «به فرمانبرداری ایستاده‌ام، بارخدا! در اطاعت و خدمت تو هستم».

خداوند در پاسخ به او می‌فرماید:

«لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيكَ، حَتَّى تَرُدَّ مَا فِي يَدَيْكَ»؛ (هدایه السالک ج ۱، ص ۱۳۶)

«نه، به فرمانبرداری نایستاده‌ای و در اطاعت و خدمت نیستی، تا آن‌که هرچه در اختیار و در دست تو است، به صاحبان آن بازگردانی.»

۵- آگاهی کامل

آشنایی با اهداف حج، موجب می‌شود تا حاجی برای دستیابی به آنها، معلومات و دانستنی‌های مورد نیاز این سفر را به خوبی فراگیرد و با آگاهی کامل در این مسیر قدم بگذارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنرانی مهم روز غدیر از مردم خواستند تا با آگاهی و بصیرت کامل به حج روند و از این اماکن مقدس جز با توبه و رها شدن از گناه بازنگردند؛

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خُطْبَتِهِ فِي الْغَدِيرِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّفَقُّهِ وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعٍ). (الحج و العمره فی القرآن و السنه ص ۲۵۷، ح ۷۱۸)

۶- فراگیری احکام و مناسک حج و عمره

در میان مجموعه اطلاعات مورد نیاز، فراگیری مناسک حج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حاجی باید آن را به‌طور دقیق بیاموزد و به‌کار بندد؛ زیرا صحت و درستی عمل یکی از شروط قبولی آن است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«تَعَلَّمُوا مَنَاسِكَكُمْ، فَإِنَّهَا مِنْ دِينِكُمْ» (تاریخ دمشق ج ۲۶، ص ۲۱۱) «مناسک حج خود را فراگیرید که آن، بخشی از دین شما است.»

ب - آداب در طول سفر

۱ - اخلاق حاجیان

رعایت اخلاق اسلامی در سفر حج یکی از ضروریات این سفر عبادی و معنوی است. کسانی که می‌خواهند از این سفر بهره معنوی برده، مورد عنایت حضرت حق قرار گیرند، باید نکاتی را رعایت کنند:

امام باقر علیه السلام فرمود: «مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْأَلُ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الصَّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ». (کافی ج ۴ ص ۲۸۶)

«کسی که به حج می‌رود و این راه را طی می‌کند، اگر سه خصلت در وی نباشد مورد عنایت و توجه [خداوند] قرار نمی‌گیرد:

- ۱ - ورع و پارسایی که او را از گناه بازدارد. ۲ - صبر و بردباری که بتواند خشم خود را در اختیار گیرد. ۳ - خوش رفتاری با همراهان.»

در سفر حج، به دلیل ازدحام بیش از حد جمعیت و نیز محدودیت بسیاری از امکانات، معمولاً مشکلاتی بروز می‌کند که اگر حاجی دارای ویژگی‌های فوق نباشد ممکن است از کنترل خارج شود و خدای ناکرده با دیگران درگیری پیدا کرده، موجب آزار و اذیب دیگران گردد. برای پیشگیری از بروز چنین وضعیتی، در مرحله اول نیاز به ورع و پارسایی است تا حاجی بتواند از یک‌سو خود را کنترل کند و از سوی دیگر به ثمرات حج دست یابد.

۲ - مهربانی با مردم

توجه به ارزش‌های اخلاقی اسلام در سفر حج، این سفر را بسیار شیرین و جاذبه‌دار می‌کند. برای آن که از هرگونه کدورتی پیشگیری شود، حاجیان در برخورد با همسفران این نکات را رعایت کنند:

الف - امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا علیه السلام فرمود: «سه چیز پایه‌های دوستی مرد با برادر دینی خود را محکم می‌کند:

- ۱ - همیشه با خوش‌رویی با او برخورد کند؛ ۲ - در مجلس هرگاه به‌سوی او آمد، برایش جا باز کند و او را در کنار خود بنشانند؛

۳ - او را به هر نامی که خودش دوست دارد صدا بزند». (کافی ج ۲ ص ۶۴۳)

ب - امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

«روزی یکی از اعراب بنی تمیم به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و گفت: یا رسول الله مرا سفارشی کن. حضرت در ضمن سفارش‌هایی به او فرمود: با مردم دوستی کن و آنان را دوست بدار تا تو را دوست بدارند». (کافی ج ۲ ص ۶۴۲)

۳ - احترام به سال خوردگان

در هر کاروانی معمولاً تعدادی از افراد سال خورده وجود دارند که نیازمند کمک همسفران خویش‌اند. هنگام سوار شدن و پیاده شدن از اتوبوس و یا هواپیما و رفتن و برگشتن به حرم و بالأخره هنگام انجام اعمال، سزاوار است دیگر حاجیان آن‌ها را یاری دهند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «احترام به مرد سال خورده، احترام به خدا است». (کافی ج ۲ ص ۶۵۸)

در حدیثی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هرکس، سالمندی را که در اسلام موی خود را سپید کرده احترام کند، خداوند او را از هراس روز قیامت آسوده سازد». (کافی ج ۲ ص ۶۵۸)

۴ - سلام کردن به همسفران

انس و علاقه میان برادران و خواهران دینی، یکی از زیباترین هدیه‌های دین مقدس اسلام به مردم است و از جمله اموری که می‌تواند این پیوند را استوار سازد، سلام کردن به یکدیگر است. در برخوردهای داخل کاروان و نیز در دیدار با مسلمانان دیگر کشورها، سخن را با سلام آغاز کنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیش از سخن گفتن سلام کنید و کسی که بدون سلام سخن آغاز کرد پاسخش را ندهید». (کافی ج ۲ ص ۶۴۴)

آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:

«نزدیک‌ترین مردم به خدا و رسولش کسی است که آغاز به سلام کند». (کافی ج ۲ ص ۶۴۴)

هنگام سلام گفتن نیز بلند سلام دهید تا طرف مقابل صدای شما را بشنود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«خداوند، آشکار سلام کردن را دوست می‌دارد». (کافی ج ۲ ص ۶۴۴)

۵ - لبخند به همسفران

حاجیان در طول سفر حج تلاش کنند تا در برخورد با همسفران به روی آنان لبخند بزنند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ وَ صَرَفُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ». (کافی ج ۲ ص ۱۸۸)

«لبخند هر مردی به روی برادر مؤمن خود حسنه است و پاداش دارد و برگرفتن خار و خاشاک از چشم او و برداشتن مانع از سر راه او [حسنة است و خدا به چیزی محبوبتر از مسرور ساختن مؤمن پرستش نشده است.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«کسی از شما گمان مبرد که اگر مؤمنی را شاد کند فقط او را خوشحال کرده، بلکه به خدا ما را شاد کرده و بلکه به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله را شادمان کرده است.» (کافی ج ۲ ص ۱۸۹)

۶ - کمک به همسفران

مستحب است مسافر به همراهان خود در طول سفر کمک کند و بار خویش را به دوش دیگران نیاندازد.

الف - در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن از مردی به میان آمد و درباره او گفته شد:

او آدم خوبی است. سپس درباره اوصاف وی به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض شد:

او با ما به حج آمد، هر زمان در مکانی منزل می کردیم، پیوسته ذاکر خدا بود و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می گفت و آن گاه که حرکت می کردیم، پیوسته خدا را یاد می کرد و ذکر خدا می گفت تا باز در منزلی دیگر فرود می آمدیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس چه کسی شترش را علوفه می داد و غذایش را آماده می کرد؟ پاسخ دادند: همه ما.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همه شما از او بهترید! (مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۵۶۴)

ب - پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه برای اصحاب و یاران خویش الگو بود. در روایت آمده است که آن

حضرت در سفری به اصحاب خود فرمودند تا گوسفندی قربانی کنند، یکی از مردان همراه گفت: ذبح گوسفند به عهده من؛ دیگری گفت: پوست کردن آن نیز با من؛ سوّمی گفت: قطعه قطعه کردن گوشتها با من و چهارمی گفت پختن آن نیز با من.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: فراهم کردن هیزم نیز با من! اصحاب گفتند یا رسول الله، پدران و مادران مافدای شما باد! نباید شما به زحمت بیفتید، ما به جای شما کارها را انجام می دهیم!

حضرت فرمود: می‌دانم که شما به جای من انجام می‌دهید، لیکن خداوند عزوجل دوست نمی‌دارد بنده‌ای را که اگر با گروهی مسافرت کرد، گوشه‌ای بنشیند [و کار نکند]. حضرت این سخن را فرمود و برخاست تا برای آن‌ها هیزم جمع‌آوری کند. (بحارالانوار ج ۷۶ ص ۲۷۳) بنابراین، گرچه هم‌اکنون کارها به مدیر و خدمه کاروان واگذار گردیده، لیکن حاجی نباید خود را از فیض خدمتگزاری به حاجیان محروم سازد.

ج - امام سجاد علیه السلام مسافرت نمی‌رفتند مگر با کسانی که آن حضرت را نمی‌شناختند و از همان آغاز نیز با آن‌ها شرط می‌کردند که در طول سفر کار کنند و نیازهای کاروان را برآورده سازند. در یک سفری که حضرت با گروهی همراه شد، مردی آن حضرت را دید و شناخت، سپس به کاروانیان گفت: آیا می‌دانید این مرد کیست؟ گفتند: نه. گفت: این علی بن الحسین علیهما السلام است!، آن جمع به طرف آن حضرت آمده، دست و پای ایشان را بوسه زدند و گفتند: فرزند رسول خدا! آیا می‌خواستی آتش دوزخ ما را، به دلیل رفتار نادرست ما با شما، فرا گیرد؟ و در پایان عمر به هلاکت گرفتار آییم؟ چه باعث شده تا شما این چنین عمل کنید؟ حضرت فرمود: یک وقت با گروهی که مرا می‌شناختند همسفر شدم؛ آن‌ها به خاطر رسول خدا بیش از حد به من احترام و کمک کردند و من نگران تکرار آن توسط شما بودم، بنابراین مخفی بودن کارم را بیشتر دوست دارم! (وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۳۰)

د - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که مؤمن مسافری را یاری دهد، خداوند هفتاد و سه ناراحتی را از وی دفع کند و در دنیا و آخرت او را از هم و غم پناه دهد و بلای بزرگی را که در روز اجتماع مردم [فردای قیامت]، با آن روبه‌رو است مرتفع سازد». (وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۳۰)

ه - اسماعیل خثعمی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: وقتی ما [در سفر حج] به مکه می‌رسیم، همراهان ما مرا نزد ائاثیه گذاشته، خود به طواف می‌روند. حضرت فرمود:

«أَنْتَ أَكْبَرُ أَجْرًا» ، «پاداش و اجر تو از آن‌ها بیشتر است». (کافی ج ۴ ص ۵۴۵)

و - شخص دیگری به نام مُرَازِم بن حکیم گوید:

با محمد بن مُصَادِف همراه بودم، وقتی به مدینه رسیدیم من بیمار شدم، وی نیز مرتب مرا تنها می‌گذاشت و به مسجد می‌رفت، من شکایت او را به پدرش مصادف کردم، او نیز مسأله را به امام صادق علیه السلام خبر داد، حضرت برای محمد بن مصادف پیغام فرستاد و فرمود: «قُعُودُكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ».

«نشستن تو در کنار او، از نماز خواندن در مسجد بالاتر و برتر است». (کافی ج ۴ ص ۵۴۵)

ز - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ». (کافی ج ۴ ص ۵۴۵)
«بزرگ هر قومی کسی است که در سفر خدمتگزار آنان باشد.»

۷ - پرهیز از ناسازگاری و بداخلاقی

افراد بشر، هرچه از خوبی‌ها بهره‌مند باشند، باز ممکن است در برخی شرایط گرفتار کم‌حوصله‌گی، بهانه‌گیری و ناسازگاری شوند و به همین دلیل، هم خود و هم دیگران را ناراحت کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفری که به حج مشرف می‌شدند فرمودند:

«مَنْ كَانَ سَيِّئِ الْخُلُقِ وَالْجَوَارِ فَلَا يَصْحَبُنَا». (بحار الانوار ج ۷۳ ص ۲۷۳) «کسی که بداخلاق است و به همسایه خود بدی می‌کند، با ما همراه نشود.»

دلیل این سخن واضح است؛ زیرا آن کس که در وضعیت عادی کج خلق بوده و همسایه‌آزاری می‌کند، هنگام سفر و برخورد با سختی‌ها و مشکلات، رفتاری به مراتب نامناسب‌تر با دیگران خواهد داشت.

۸ - نادیده گرفتن لغزش‌ها

در مسافرت گاهی آگاهانه و گاهی از روی غفلت ممکن است یکی از همسفران دچار لغزش شده، کار خلافی انجام دهد. سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در این زمینه آن بوده که این لغزش‌ها را یا نادیده می‌گرفتند و یا با تذکر، فرد خطاکار را اصلاح می‌کردند.

زراره از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده که فرمودند:

«نزدیک‌ترین موضع بنده به کفر آن است که با مردی برادر دینی باشد و لغزش‌ها و خطاهای او را شمرده آنزد خود نگه دارد» تا روزی او را به خاطر آن لغزش‌ها سرزنش کند». (کافی ج ۲ ص ۳۵۴)

طبیعی است که هرکس به دنبال کشف عیوب و خطاهای مردم باشد، عملاً دیگران را به مقابله دعوت کرده و آنان را بر این کار ترغیب می‌کند و همین، موجب حرمت‌شکنی و درگیری مؤمنان و مسلمانان با یکدیگر خواهد شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به دنبال کشف لغزش‌های مؤمنان نباشید، زیرا هرکس به دنبال لغزش‌های برادر دینی خود برآید، خداوند لغزش‌های او را دنبال می‌کند و آن کس که خداوند به دنبال لغزش‌هایش برآید، او را رسوا خواهد کرد، گرچه در داخل خانه‌اش باشد». (کافی ج ۲ ص ۳۵۵)

۹ - بازگو نکردن خاطرات تلخ

زندگی در سفر حج، جمعی و گروهی است و در نتیجه، افراد مختلف با سلیقه‌ها و رفتارهای گوناگون کنار همدیگر جمع شده، چندین روز با هم زندگی می‌کنند و به طور طبیعی این اختلاف سلیقه‌ها، گاهی منتهی به نزاع و درگیری و کدورت می‌شود. توصیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به حاجیان این است که با همسفران خود، جوانمردانه برخورد نموده، پس از مراجعت نیز در هیچ مجلسی، حوادث ناخوشایند سفر را برای دیگران بازگو نکنند. امام صادق علیه السلام در حدیثی، یکی از دلایل جوانمردی در سفر را کتمان اسرار و رازداری همراهان پس از جدا شدن از آن‌ها ذکر می‌کنند. (امالی مفید ص ۴۴)

آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:

«لَيْسَ مِنَ الْمُرُوَّةِ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ بِمَا يَلْقَى فِي السَّفَرِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ». (آثار الصادقین ج ۸ ص ۴۹۲)

«این از جوانمردی نیست که انسان آن‌چه از خوب و بد در سفر دیده و با آن برخورد کرده را بازگو نماید.»

۱۰ - جوانمردی در سفر

در سفر حج، حاجیان باید با همسفران جوانمردانه برخورد کنند و سختی‌ها را به جان خریده، آسایش و آرامش دیگران را بر خود ترجیح دهند.

هنگام سوار شدن به اتوبوس‌ها، موقع صرف غذا، زمان استفاده از بالابرها و ... دیگران - به خصوص کودکان و کهنسالان - را بر خود مقدم بدانند و با برخورد صحیح و اسلامی و لبخند خستگی را از تن همسفران خویش بزدایند و به تعبیر روایات، از خود جوانمردی نشان دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاوت قرآن، ساختن مسجد، دوست گرفتن برادران دینی به خاطر خدا، جوانمردی در وطن، بخشیدن غذا، خوش خلقی و شوخی بدون معصیت را نشانه‌های جوانمردی در سفر دانسته‌اند. (بحارالانوار ج ۷۳ ص ۳۶۶)

۱۱ - حل مشکلات همسفران

گاهی در سفر حج، برای برخی از حاجیان مشکلاتی؛ مانند گم کردن پول، بیماری و ... پیش می‌آید که شایسته است همسفران، آن‌ها را یاری دهند و مشکلاتشان را برطرف کنند.

الف - ابان بن تغلب گوید: با امام صادق علیه السلام طواف می‌کردم، مردی از اصحاب ما پیش آمد و با اشاره از من خواست تا برای انجام کاری همراه او بروم، لیکن من دوست نمی‌داشتم طواف با امام صادق علیه السلام را رها کرده، او را همراهی کنم. پس در همان حال که طواف می‌کردم، بار دیگر به من اشاره کرد و امام صادق علیه السلام او را دید، پس فرمود: ابان، این مرد تو را می‌خواهد؟ گفتم: آری.

فرمود: او کیست؟ گفتم: مردی از اصحاب و یاران ما است. حضرت پرسیدند: آیا با تو هم عقیده و هم مذهب است؟ گفتم: آری.

حضرت فرمود: نزد او برو. گفتم: طواف را قطع کنم؟ فرمود: آری. پرسیدم: اگر چه طواف واجب باشد؟ فرمود: آری.

ابان گوید: با او رفتم و پس از انجام کار وی، نزد آن حضرت بازگشتم.

سپس به ایشان عرض کردم: مرا از حقی که مؤمن به گردن مؤمن دیگر دارد باخبر ساز.

حضرت فرمود: آنان را واگذار و پاسخش را نخواه. گفتم: فدای شما شوم پاسخ آن را خواهانم و پیوسته اصرار کردم.

آنگاه فرمود: ای ابان، تا آن جا حق دارد که نیمی از مالت را به او بدهی! سپس به من نگریست و عکس العمل مرا در برابر آن مشاهده نموده، فرمود: ای ابان، آیا نمی دانی که خداوند عزوجل از آن ها این گونه یاد کرده که دیگران را بر خود مقدم می دارند؟ گفتم: آری، فدایت شوم.

فرمود: پس اگر تو مالت را با او قسمت کنی، او را بر خود مقدم نداشتی، بلکه او را با خود برابر داشتی، همانا وقتی او را بر خود مقدم داشته ای که آن نیمه ای که برای خود نگاهداشته ای به او دهی. (کافی ج ۲ ص ۱۷۱)

ب - در روایت تنبه آفرین دیگری، یکی از یاران امام باقر علیه السلام گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: فدای شما کردم، همانا شیعه نزد ما فراوان است! فرمود: آیا ثروتمندان به مستمندان کمک می کنند؟ آیا نیکوکار از بدکار می گذرد؟ آیا با هم برابری و مساوات دارند؟ گفتم: نه. امام فرمود: «لَيْسَ هَؤُلَاءِ شِيعَةَ الشَّيْعَةِ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا». (کافی ج ۲ ص ۱۷۳) «این ها شیعه نیستند، شیعه کسی است که این چنین عمل کند!»

۱۲ - پرهیز از سوء ظن

شایسته است حاجیان کاروان خود را به کانون محبت و صفا تبدیل کنند و نسبت به همدیگر مهربان و خوشبین باشند و از هر گونه سوء ظنی پرهیزند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«کار برادر دینی خود را به بهترین وجه توجیه و حمل کن، تا زمانی که از او کاری سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچگاه از سخنی که از (دهان) برادرت بیرون آید تا وقتی که می توانی محمل خوبی برای آن بیابی گمان بد مبر.» (امالی صدوق ص ۲۵۰)

حسن ظن و خوش بینی نسبت به دیگران، از برترین ارزش های اخلاقی و بزرگترین عطیه ها است. (غرر الحکم)

برای حل مشکل سوء ظن، پیشوایان اسلام تا آنجا جلو رفته‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اطْلُبْ لِاخِيكَ عُذْرًا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْرًا فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرًا». (بحارالانوار ج ۷۳ ص ۱۹۷) «برای گفتار و کرداری که از برادر تو سر می‌زند عذری بجوی و اگر نیافتی عذری بساز!»

بنابراین، از آنجا که حاجیان در سفر حج، به عبادت خدا روی آورده و در صدد کسب معارف و آمرزش الهی برآمده‌اند، لذا باید به شدت از سوء ظن و بدبینی نسبت به دیگران خودداری کنند؛ زیرا گمان بد عبادت را تباه می‌کند.

۱۳ - رازداری

شیوه تقسیم بندی زائران هر کاروان به گونه‌ای است که معمولاً هر چند نفر در یک اتاق قرار می‌گیرند و نزدیک به یک ماه شب و روز با هم به سر می‌برند، در چنین وضعیتی طبیعی است که میان آنان گفتگوهای رد و بدل شود که چه بسا بعضی از آنها دوست نمی‌دارند این سخنان جای دیگری بیان شود، از این رو پیشوایان دینی ما به ما دستور داده‌اند تا سخنان محرمانه اشخاص را برای کسی بازگو نکنیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

آنچه در مجالس گفته می‌شود امانت است و کسی حق ندارد، سخن هم صحبت خود را برای دیگری بازگو کند مگر آنکه با اجازه او بوده و یا نقل آن، بیان خوبی او باشد (کافی ج ۲ ص ۶۶۰) (مانند آن که کسی در مجالس خصوصی، همسفران خود را به نیکی به عبادت و امثال آن تشویق و ترغیب کرده و این مطلب برای دیگری بازگو شود).

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمود:

مجالس امانت اند و فاش کردن راز برادر دینی، خیانت است پس از این کار دوری کن. (بحار ج ۷۴ ص ۸۹)

و در حدیث دیگری فرمود:

وقتی دو نفر با یکدیگر در جلسه‌ای صحبت می‌کنند، آنچه با یکدیگر در میان می‌گذارند امانت خدا است، پس جایز نیست که یکی از آنها بر خلاف میل برادر دینی‌اش آنچه که او میل به افشای آن ندارد را بازگو کند. (تنبیه

الخواطر ج ۱ ص ۹۸)

ج - آداب اعمال عمره مفرده

۱ - فضیلت حج و عمره

الف - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَهِبَ اللَّهُ إِنْ سَأَلُوهُ أُعْطَاهُمْ وَإِنْ دَعَوْهُ أُجَابَهُمْ وَإِنْ شَفَعُوا شَفَعَهُمْ وَإِنْ سَكَتُوا ابْتَدَأَهُمْ وَيَعْوِضُونَ بِالذَّرْهِمِ أَلْفَ دِرْهِمٍ. (وسائل الشيعة ج ۱۱ ص ۹۹)

(حاجی و عمره گزار بر خدا وارد می شوند اگر از او درخواست کنند به آنها می بخشد و اگر او را بخوانند به آنها جواب خواهد داد و اگر شفاعت کنند آنها را شفیع قرار خواهد داد و اگر خاموش باشند خدا آغاز خواهد نمود و در برابر هر درهم هزار درهم به آنها عطا خواهد شد)

ب - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ الْعَامِلُ بِهِمَا فِي جِوَارِ اللَّهِ إِنْ أَدْرَكَ مَا يَأْمَلُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَإِنْ قَصَرَ بِهِ أَجَلُهُ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (وسائل الشيعة ؛ ج ۱۱ ؛ ص ۱۰۰)

(حج و عمره از بازارهای آخرت هستند و هر کس بوسیله اندو کار کند در کنار خدا است اگر برسد به آنچه ارزو دارد خداوند او را امرزیده است و اگر اجل به او مهلت ندهد اجر او با خدا است)

ج - عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ إِمَّا يُقَالُ لَهُ قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ وَ إِمَّا يُقَالُ لَهُ قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ وَ إِمَّا يُقَالُ لَهُ قَدْ حُفِظَتْ فِي أَهْلِكَ وَ وُلْدِكَ وَ هِيَ أَحْسَنُهَا (وسائل الشيعة ؛ ج ۱۱ ؛ ص ۱۰۶)

(برای حاجی و عمره گزار یکی از این سه خصلت می باشد یا اینکه به او گفته می شود گناهان گذشته و آینده تو بخشیده شد یا اینکه گفته میشود گناهان گذشته تو بخشیده شد پس عمل را آغاز کن و یا اینکه گفته میشود تو به همراه خانواده و فرزندان محفوظ خواهی بود و این مرتبه پایین ترین آنها خواهد بود)

د - صفوان از سیف تمّار ، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

پدرم می فرمود: حجّ از نماز و روزه افضل می باشد و جهتش آن است که: نماز گزار برای ساعتی از اهل خود رو می گرداند و به عبادت مشغول می شود و روزه دار صرفاً به مقدار روشنی روز از همسرش خودداری می نماید ولی حاجی بدنش را به تعب انداخته و نفسش را در تنگنا قرار داده و مالش را صرف نموده و غیبتش از اهل و همسرش طولانی بوده نه به مالش امید داشته و نه به تجارتش از این رو این عبادت از نماز و روزه برتر می باشد و نیز پدرم می فرمود: نیست کسی برتر و افضل از مردی که به حج آمده و اهلش را به دنبال آورده در حالی که مردم در صحرای عرفات وقوف داشته و راست و چپ بیابان را اشغال کرده اند، وی اهلش را به حج آورده و در میان این انبوه

جمعیت که واقع می شود خدا را طلب می کند و از او می خواهد که اهلش را محافظت نماید. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۴۶۳)

۲ - فلسفه حج و عمره

الف - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أْبْدَانُكُمْ وَتَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ وَتُكْفَوْنَ مَثُونَاتِ عِيَالِكُمْ وَ قَالَ الْحَاجُّ مَعْفُورٌ لَهُ وَ مَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ - وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ وَ مَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ. (وسائل الشيعة ؛ ج ۱۱ ؛ ص ۹)

(حج و عمره بجای اورید تا بدنهایتان صحیح باشد و روزیتان وسیع باشد و مخارج خانوادتان کفایت شده باشد حاجی امرزیده شده و بهشت براو واجب شده و اعمالش را از ابتدا شروع میکند و بهمراه اهل و مالش محفوظ خواهد بود)

ب - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ: وَ هَذَا بَيْتٌ اسْتَعْبَدَ اللَّهُ بِهِ خَلْقَهُ لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَهُمْ فِي إِتْيَانِهِ فَحَثَّهُمْ عَلَى تَعْظِيمِهِ وَ زِيَارَتِهِ..... (وسائل الشيعة ؛ ج ۱۱ ؛ ص ۱۱)

(این خانه ای است که بوسیله آن خدا از مردم خواسته است تا بندگی کنند تا اینکه بوسیله آمدن بسوی آن اطاعت آنها را امتحان کند پس آنها را بر بزرگداشت و زیارت آن تشویق نمود.....)

۳ - حرم امن الهی و تعیین آن

حرم ، منطقه ای وسیع است که کعبه و شهر مکه را در میان گرفته و حریم خانه خدا محسوب شده و دارای احکامی است که نشانگر عظمت و حرمت والای آن است : الف - شکار حیوانات حرام است ب - کندن گیاهان حرم حرام است ج - تعرض به جان انسانها حرام است د - ورود غیر مسلمان حرام است ه - ورود به حرم بدون احرام حرام است .

الف -از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام راجع به حرم و نشانه هایش سؤال کرده و عرضه داشتم چرا برخی از آنها نزدیکتر از بعضی بوده و بعضی از برخی دورتر می باشند؟

حضرت فرمودند: حق تبارک و تعالی وقتی آدم علیه السلام را از بهشت فرو فرستاد روی کوه ابو قبیس قرارش داد، وی از وحشتی که در او پیدا شده بود به حق عز و جل شکایت کرده و عرضه داشت آنچه را که در بهشت می شنیدم اینجا نمی شنوم، خداوند متعال یاقوت سرخی را از بهشت فرو فرستاد و آن را در مکانی که امروز بیت هست قرار داد، جناب آدم علیه السلام دور آن طواف می نمود و نور آن به نشانه هایی که امروز به عنوان حدود حرم نصب شده

می‌رسید پس اعلام و نشانه‌های امروزی منتهی الیه شعاع نورهای آن یاقوت بوده که حق تعالی آنها را حدّ حرم قرار داده است. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۵۵)

۴ - علت احرام

هر کسی بخواهد وارد سرزمین حرم شود ، بر او واجب است ابتدا محرم شود و سپس با حالت معنوی احرام بر حریم خانه خدا قدم گذارد زیرا محرم شدن او احترام به حرم امن الهی است :

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل شده که آن جناب فرمودند: مسجد الحرام محترم است به خاطر کعبه و حرم محترم است به خاطر مسجد و احرام واجب شده به خاطر احترام حرم. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۳۹)

۵ - لبیک گفتن

حاجیان هنگام حضور در میقات برای محرم شدن ، پس از پوشیدن لباس احرام و نیت نمودن لازم است کلمات لبیک را بر زبان جاری کنند و از عمق جسم و جان ، دعوت میزبان خویش را اجابت کنند تا پس از زمزمه معنوی لبیک به حالت احرام وارد شوند . در حقیقت لبیک گفتن ، اجابت نمودن دعوت خداوند متعال است :

الف - ...از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، راوی می‌گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: چرا تلبیه جعل و تشریح شده است؟

حضرت فرمودند: خداوند عزّ و جلّ به جناب ابراهیم علیه السلام وحی فرمود: وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا (و مردم را به اداء مناسک حج اعلام کن تا مردم پیاده و سواره و از هر راه دور به سوی تو جمع آیند) پس جناب ابراهیم نداء داد و با صدای بلند مردم را دعوت نمود، مردم نیز از هر راه دور اجابتش کرده و تلبیه گویان به سوی او شتافتند و این عمل سنّت گردید. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۴۱)

ب - ...از سلیمان بن جعفر نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا الحسن علیه السلام راجع به تلبیه و علّت آن سؤال کردم؟

حضرت فرمودند: هنگامی که مردم محرم می‌شوند حق تبارک و تعالی آنها را خوانده و می‌فرماید:

بندگان و کنیزانم، همان طوری که شما برای من احرام بستید من نیز آتش را بر شما حرام خواهم نمود مردم می‌گویند: لبیک اللهم لبیک.

این عبارت را مردم در مقام اجابت حق تعالی که ایشان را مورد نداء قرار داد ایراد می‌کنند. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۴۳)

ج - ادب لبیک گفتن

حاجی در میقات با لبیک گویی، حضور خود در محضر حق را اعلام و به خداوند پاسخ مثبت می‌دهد، بر این اساس بر حاجی لازم است ادب را در گفتگو با خداوند مراعات نماید، برخی آداب لبیک عبارتند از:

۱- خشوع

سفیان بن عیینه گوید: امام زین العابدین علیه السلام در سفر حج، زمانی که احرام بست و بر مرکب قرار گرفت، رنگش زرد شده و لرزه بر اندام آن حضرت افتاد، کسی به آن حضرت گفت: آیا لبیک نمی‌گویید؟ فرمود: می‌ترسم بگویم و خداوند در پاسخ من بگوید: «لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ»

پس زمانی که آن حضرت لبیک گفت، بیهوش شد و از مرکب فرو افتاد و تا پایان انجام مناسک حج این حالت به آن حضرت دست می‌داد. (الحج فی الکتاب و السنه ص ۱۸۲)

۲ - تکرار لبیک

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه از مسجد شجره محرم شدی، اگر پیاده‌ای، از همانجا که در مسجد قرار داری تلبیه بگو و سپس این چنین بگو:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ تَمَامُهَا عَلَيْكَ». و هرگاه بر مرکب سوار، یا از آن پیاده شدی، به دشتی سرازیر و یا بر تپه‌ای بالا رفتی و یا با سواری برخورد کردی، و نیز هنگام سحر، با صدای بلند لبیک بگو.

۳- بلند گفتن لبیک برای مردان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: «همانا خداوند- عزوجل- به تو فرمان می‌دهد که یاران و پیروانت امر کنی صدایشان را هنگام گفتن تلبیه بلند کنند؛ چرا که تلبیه شعار حج است.» (الحج فی الکتاب و السنه ص ۱۸۳)

لازم به تذکر است که بلند لبیک گفتن، اختصاص به مردان دارد و بر زنان مستحب نیست.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبِيَةِ». «بلند گفتن تلبیه بر زنان لازم نیست.»

۴- قطع لبیک با دیدن خانه‌های مکه

امام صادق علیه السلام فرمود: «آنکه حج تمتع به جا می‌آورد، هنگامی که نگاهش به خانه‌های مکه افتاد، لبیک گفتن را قطع کند.» (الحج فی...)

۶ - آداب ورود به منطقه حرم و شهر مکه

در روایات برای ورود به مکه، آدابی ویژه بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود :

هنگام ورود به مکه باید با احرام داخل شود.

- برای ورود به مکه غسل کند :

رسول خدا صلی الله علیه و آله خود هنگام ورود به مکه در منطقه «فخ» غسل کرد و سپس وارد مکه شد. حلبی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید: «آن حضرت به ما دستور داد پیش از ورود به مکه در منطقه «فخ» غسل کنیم.»

راه حل دیگری نیز امام صادق علیه السلام ارائه داده‌اند و آن اینکه کسانی که در میان راه موفق به انجام غسل نمی‌شوند، می‌توانند از آن بهره گرفته، ثواب غسل کردن را ببرند. آن حضرت فرمود: هرگاه به حرم رسیدی ان شاء الله، موقع ورود به حرم غسل کن و اگر جلوتر رفتی در منطقه «بئرمیمون» یا «فخ» و [اگر میسر نشد] در منزل خود در مکه غسل کن.

متواضع و فروتن باشد :

معاویه بن عمار می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به آرامی و همراه با آرامش وارد مکه شود، خداوند گناه او را ببخشد. پرسیدم چگونه با سکینه و آرامش وارد شود؟ حضرت پاسخ داد: بدون تکبر و غرور داخل گردد.» (الحج فی الکتاب و السنه ص ۵۷)

۷ - آداب ورود به مسجد الحرام

الف - ورود با طهارت : پس از آن که حاجی وارد مکه شد، برای آن که بتواند مناسک و اعمال خود را به خوبی و با کمال توجه و با حال خضوع و خشوع انجام دهد، بهتر آن است که ابتدا به محل استقرار خود رفته، وسایل و اسباب سفر را مستقر و پس از رفع خستگی غسل کند، سپس وضو بگیرد و به طرف مسجد الحرام حرکت کند. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود:

«هر گاه حاجی یا عمره‌گزار به مکه وارد شد، ابتدا وسایل خود را مستقر سازد سپس آهنگ مسجد الحرام کند.» (کافی ج ۴ ص ۳۹۹)

عمران حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا زنان هنگام رفتن کنار کعبه غسل کنند؟ حضرت فرمود: آری، همانا خداوند متعال می‌فرماید: **أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ**. (بقره ۱۲۵) خانه‌ام را برای طواف کنندگان، عبادت کنندگان و راکعان و ساجدان پاک سازید.

و سزاوار است که بنده، جز با طهارت وارد خانه خدا نشود و (پیش از ورود) آلودگی‌ها را شسته و پاک شده باشد. (تهذیب ج ۵ ص ۲۵۱)

ب - ورود به مسجد الحرام از باب بنی شیبیه

مستحب است حاجی هنگام ورود به مسجد الحرام، از باب بنی شیبیه وارد شود. این باب پیشتر کنار مقام ابراهیم قرار داشته که در تصاویر قدیمی مسجد الحرام مشخص است لیکن هم اکنون نشانی از آن باقی نمانده است. دلیل این عمل مستحبی را امام صادق علیه السلام این چنین بیان فرموده‌اند:

«بت هُبَل را که امیر مؤمنان، علی علیه السلام هنگام بالا رفتن بر دوش رسول خدا صلی الله علیه و آله از بام کعبه به زمین انداخت، در باب بنی شیبیه دفن کردند و از این رو، ورود به مسجد الحرام از این در سنت شد.» (الحج فی الکتاب و السنه ص ۶۷)

ج - ورود با خضوع و خشوع : معاویه بن عمار نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که: هنگام ورود به مسجد الحرام، با پای برهنه و با آرامش و وقار و خشوع داخل شو.

همچنین فرمود: «کسی که با خشوع وارد مسجد الحرام شود، خداوند اگر بخواهد او را می‌آمرزد.» از آن حضرت پرسیدم: خشوع چیست؟

فرمود: آرامش قلب. با تکبر و خود بزرگ بینی وارد مشو، پس هر گاه به در مسجد رسیدی بایست و بگو:..... (

۸ - کعبه

الف - اهمیت کعبه : از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال شد: برای چه کعبه، کعبه نامیده شده؟

حضرت فرمودند: زیرا چهارگوش می‌باشد. محضر مبارکش عرض شد: برای چه چهارگوش می‌باشد؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی بیت المعمور است و آن چهارگوش می‌باشد. عرض شد: برای چه بیت المعمور چهارگوش است؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی عرش است و آن چهارگوش می‌باشد.

محضر مبارکش عرض شد: چرا عرش مرتب است؟ فرمودند: زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار تا است و آنها عبارتند از:

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۲۸۷)

ب - نگاه داشتن حرمت کعبه : عرب‌ها را رسم بر این بوده که هنگام نشستن، دست‌ها را گرد زانو حلقه زده و بر نشیمن گاه خود می‌نشستند و یا آن که زانوهای خود را به طرف سینه جمع نموده، آنگاه با پارچه‌ای آنها را به پشت خود می‌بستند و به چنین نشستن «اِخْتِباء» گفته می‌شد.

در لغت فارسی نزدیک‌ترین کلمه به این نوع از نشستن، «چمباتمه» است.

امام صادق علیه السلام از این گونه نشستن در برابر کعبه منع فرموده است. (کافی ج ۲ ص ۶۶۳)

۹ - حجر الاسود

سنگ سیاهی است که از بهشت به زمین آمده و در رکن شرقی کعبه نصب شده است و دست کشیدن بر آن توصیه شده زیرا این سنگ بمنزله دست راست خدا بر روی زمین و دست کشیدن بر آن بیعت با خدا محسوب می‌شود :

الف - ... از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حلبی می‌گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: برای چه حجر الاسود را مسّ می‌کنند؟

حضرت فرمودند: زیرا تجدید عهد نمودن خلائق با خدا در همین مسّ می‌باشد.

و در حدیث دیگر آمده که امام علیه السلام در جواب سؤال مذکور فرمودند: به خاطر این که وقتی حق تعالی از بندگان اخذ میثاق گرفت به حجر امر فرمود، پس حجر موثیق بندگان را در خود فرو برد، پس هر کس که پیمان دوستی را حفظ نمود حجر برایش شهادت می‌دهد که او پیمان و عهدش را نشکسته و به آن وفادار می‌باشد. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۶۴)

ب - از محمد بن مسلم، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرموده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دور بیت الله طواف کنید و رکن را استلام و مسّ نمایید زیرا رکن (حجر الاسود) برکت خدا است در زمین، خلق خدا با آن مصافحه می‌کنند همچون مصافحه بنده یا مرد و در عرض رکن (حجر الاسود) در باره هر کسی که او را مسّ نموده شهادت می‌دهد که وی به عهدش وفاء نموده است. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۶۵)

۱۰ - طواف

طواف خانه خدا یکی از زیباترین و شکوهمندترین صحنه‌های عرفانی حج است، حاجی در طواف فرشته صفت گشته، از گناه پاک می‌شود، طواف گزار در حال طواف از دیگران بریده، به خدا پیوند می‌خورد و برای آن که بتواند از برکات معنوی طواف بهره گیرد، چند چیز را سزاوار است مراعات کند:

۱- توجه به خداوند

در حال طواف، باتمام وجود متوجه خدا باشد و جز به خیر و نیکی سخن نگوید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«طواف خانه کعبه نماز است، جز این که خداوند سخن گفتن به هنگام طواف را جایز شمرده است، پس کسی که سخن می گوید، جز خیر و نیکی سخن نگوید.» (الحج فی الکتاب و السنه ص ۱۹۱)

۲- متعادل راه برود

درطواف برای آن که دیگر مسلمانان طواف کننده آزار نبینند، سزاوار است حاجیان آرام و متعادل حرکت کنند.

عبدالرحمن بن سیّابه گوید: از امام صادق علیه السلام درمورد طواف پرسیدم که آیا تند بروم یا آهسته؟ حضرت فرمود: راه رفتنی میانه. (الحج فی...)

۳- طواف نکردن در حال خستگی

امام صادق علیه السلام فرمود: «دَعِ الطَّوْفَ وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ». (الحج فی...) «طواف را رها کن در حالی که هنوز مایل به ادامه دادن آن هستی.»

۴ - توجه به معانی طواف

.....از ابو حمزه ثمالی، از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام، وی می گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم: چرا طواف هفت شوط گردید؟

امام علیه السلام فرمودند: زیرا خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان فرمود: من در زمین برای خود جانشین و خلیفه قرار می دهم.

فرشتگان به خدا عرض کردند: آیا کسی را در زمین قرار می دهی که در آن فساد کرده و خونها می ریزد.

خداوند متعال فرمود: من آنچه را که شما نمی دانید می دانم. باری قبلا خداوند تبارک و تعالی فرشتگان را از نور خود محروم و ممنوع نکرده بود ولی پس از ایراد این سخن آنها را از آن محجوب و ممنوع داشت، این منع مدت هفت هزار سال طول کشید، فرشتگان به عرش پناه برده و به مدت هفت هزار سال دور عرش طواف کردند، خداوند بر ایشان ترحم نمود و توبه ایشان را پذیرفت و بیت المعموری که در آسمان چهارم هست را برای آنها قرار داد و بیت الحرام را زیر آن برای مردم مأمّن و عبادتگاه نمود از این رو طواف به دور آن به مقدار هفت شوط بر بندگان واجب شد به این نحو که برای هر هزار سال یک شوط منظور گردید. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی؛ ج ۲؛

ص ۳۱۳)

۱۱ - مقام ابراهیم

حجاج وظیفه دارند پس از طواف ، پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز بخوانند . مقام ابراهیم و سنگی که داخل آن قرار دارد یادآور قدمهای ابراهیم و دعوت او از مردم برای انجام مناسک حج است : از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

وقتی خداوند تعالی به ابراهیم علیه السلام وحی فرمود که به مردم اعلام حج نمایند، آن حضرت سنگی را که در آن اثر دو قدمش بود یعنی مقام را برداشت و آن را محاذی بیت و چسبیده به آن در مقابل آن مکانی که فعلا در آن هست قرار داد و سپس روی آن ایستاد و با صدای بلند امر خداوند را به مردم ابلاغ کرد و ایشان را به حج دعوت فرمود و وقتی شروع به سخن گفتن نمود سنگ تحمل نیاورد و پاهای آن حضرت در سنگ فرو رفت، ابراهیم علیه السلام دو پای خود را از سنگ بیرون کشید و وقتی مردم نفراتشان انبوه شد و آماده شدند برای انجام اعمال مشقت بار و رنج آور حج اطراف سنگ ازدحام و اجتماع کردند، آنها رأیشان بر این قرار گرفت که سنگ را در همین جایی که امروزه در آن هست قرار دهند تا بدین ترتیب مطاف و محل طواف برای کسانی که اطراف بیت دور می‌زنند خالی از مانع باشد (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۶۱)

۱۲ - سعی صفا و مروه

حاجیان پس از طواف و نماز آن ، بر روی کوه صفا می ایستند و با حرکت بسوی کوه مروه سعی صفا و مروه انجام می دهند و در این مسیر به یاد زحمات خالصانه حضرت هاجر قدم می گذارند :

الف - از معاویة بن عمّار، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، آن جناب فرمودند:

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی اسماعیل را که شیرخواره‌ای بود در مکه گذارد وی تشنه بود و بین کوه صفا و مروه درختی بود، مادر اسماعیل از منزلش بیرون شد تا به کوه صفا رسید، کسی را در آن جا ندید پس گفت: آیا در این وادی انیس نمی‌باشد؟

کسی جوابش را نداد، پس از آن جا گذشت تا به مروه رسید در آن جا نیز احدی را مشاهده نکرد باز گفت: آیا در اینجا انیسی نمی‌باشد؟

هیچ جوابی نشنید، پس به صفا برگشت دوباره کلامش را تکرار کرد و جوابی نیامد سپس به مروه برگشت و این عمل هفت بار تکرار شد، پس حق تعالی آن را سنت قرار داد که حاجی‌ها از صفا به مروه و از مروه به صفا تا هفت مرتبه بروند باری جبرئیل بر آن مخدّره نازل شد و به او فرمود: تو کیستی؟ آن مخدّره گفت: من مادر فرزند ابراهیم هستم. جبرئیل گفت: ابراهیم شما را به چه کسی سپرده و رفته؟

آن مخدّره گفت: همین جمله را وقتی ابراهیم می‌خواست برود به او گفتم و او در جواب گفت: به خدای تعالی شما را می‌سپارم.

جبرئیل گفت: او شما را به کسی سپرده که کفایت‌کننده است.

بعد حضرت فرمود: مردم به خاطر نبودن آب در راه مکه از رفت و آمد در آن راه اجتناب می‌کردند.

باری طفل شیر خوار از شدت عطش پا بر زمین سایید و در اثر آن چشمه زمزم از زمین جوشید، مادر وقتی از مروه برگشت و به نزد طفل رسید چشمه را که دید جلو آمد اطراف آن را خاک ریخت تا آب جاری نشود و اگر این کار را نمی‌کرد البته آب چشمه روان می‌شد.

حضرت فرمودند: وقتی آب در داخل توده خاک جمع شد به صورت حوض در آمد، طیور و پرندگان که آن را دیدند اطرافش حلقه زدند در همین هنگام قافله‌ای از یمن عبور می‌کرد وقتی پرندگان را دیدند که دور توده‌ای از خاک حلقه زده‌اند گفتند پرندگان جایی حلقه نمی‌زنند مگر آنکه آب در آن جا باشد پس خود را به آن جا رساندند تا آب بیاشامند و وقتی رسیدند و آب را دیدند از آن آشامیده و طعامشان را هم همان جا تناول کردند و خداوند تبارک و تعالی از آن آب روزی آنها کرد و با خود بردند، قافله به مکه که عبور کردند از طعامشان به اهل مکه اطعام کرده و از آبی هم که با خود برداشته بودند به آنها نوشانیدند. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۸۹)

ب -از معاویة بن عمّار، وی می‌گوید: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: هیچ مکان و بقعه‌ای نزد خدا محبوب‌تر از مکان سعی نیست و جهتش آن است که اینجا هر جبار و ستمگر منحرفی ذلیل و خوار می‌گردد. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۹۳)

۱۳ - هروله بین صفا و مروه

هنگام سعی صفا و مروه ، برای مردان مستحب است در محدوده معینی بصورت هروله حرکت کنند که یادآور دوری کردن حضرت ابراهیم (ع) از شیطان و وسوسه های او است :از معاویة بن عمّار، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

سعی بین صفا و مروه به خاطر این تشریح شد که ابلیس بر حضرت ابراهیم علیه السلام ظاهر شد پس جبرئیل به حضرت فرمان داد بر او سخت بگیرد و از خود براندش ابراهیم علیه السلام چنین کرد، یعنی به صورت هروله سر در عقب ابلیس گذارد، ابلیس فرار کرد لذا هروله در بین این دو کوه سنت گردید. (علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۹۱)

۱۴ - نماز بسیار در مکه

شایسته است حاجیان در مکه مکرمه و مدینه منوره به نماز توجه ویژه داشته باشند و سعی کنند زیاد نماز بخوانند و با خدا رابطه برقرار کنند.

ابراهیم بن شیبه گوید: به امام باقر علیه السلام نامه‌ای نوشته و از تمام بودن نماز در حرمین سؤال کردم، حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه زیاد نماز خواندن در حرمین را دوست می‌داشت، بنابراین در آن جا زیاد نماز بخوان و همچنین آن را تمام به جای آر. (کافی ج ۴ ص ۵۲۴)

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند:

در این مسجد (مسجد الحرام) نماز و دعا بخوانید، آگاه باشید که برای هر بنده رزقی است که به سوی او هدایت خواهد شد. (کافی ج ۴ ص ۵۲۶) معنای این حدیث آن است که در مکه خیلی به دنبال کسب و درآمد نروید و بیشتر در پی نماز و دعا و عبادت باشید و بدانید که روزی شما تأمین شده است.

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: اگر مردی در مکه در خانه‌اش نماز را به جماعت بخواند افضل است یا آن که به تنهایی در مسجد الحرام؟ حضرت فرمود: به تنهایی (در مسجد الحرام). (کافی ج ۴ ص ۵۲۷)

۱۵ - انس با قرآن

قرآن کریم یکی از دو امانت پیغمبر صلی الله علیه و آله و وسیله هدایت جهانیان و مکه و مدینه نیز محل نزول آن است.

بنابراین، سزاوار است حجاج بیت الله الحرام در حرمین شریفین توجه ویژه به قرآن نموده، آن را زیاد تلاوت کنند و با فرشته وحی هم نوا شوند.

امام زین العابدین علیه السلام به کسانی که در مکه موفق به ختم قرآن شوند، بشارت بهشت داده است. آن حضرت در حدیثی فرمود:

«کسی که در مکه قرآن را ختم کند نمی‌میرد مگر آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌بیند و جایگاه خود در بهشت را مشاهده می‌کند.» (من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۲۷)

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام فرمود:

«کسی که در مکه از جمعه تا جمعه یا کمتر و بیشتر از آن، قرآن را ختم کند و روز ختم قرآن وی جمعه باشد، پاداش و حسنات مربوط به اولین جمعه‌ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه‌ای که در دنیا خواهد بود برای او نوشته شود. و اگر در روزهای دیگر نیز ختم کند این چنین پاداش خواهد داشت.» (دعائم الاسلام ج ۱ ص ۳۸۱)

۱۶ - طواف به نیابت از معصومین علیهم السلام

سزاوار است حاجی روزهایی که در مکه حضور دارد، در اوقات مناسب به نیابت از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و فاطمه اطهر علیها السلام طواف انجام دهد. موسی بن قاسم گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم:

تصمیم دارم به نیابت شما و پدرتان طواف کنم لیکن به من گفته شده که نمی‌توان به نیابت از اوصیاء طواف انجام داد. امام جواد علیه السلام فرمود:

چرا (می‌توان انجام داد) و هر مقدار برای تو امکان دارد طواف کن که این کار جایز است.

موسی بن قاسم گوید: پس از سه سال به حضور آن حضرت شرفیاب شده، عرض کردم:

من پیشتر از شما اجازه گرفتم تا به نیابت از شما و پدرتان طواف کنم، شما به من اجازه دادید و من نیز به نیابت از شما و پدرتان زیاد طواف کردم. سپس چیزی در قلب من گذشت و به آن عمل کردم. حضرت فرمود: چه بود؟ گفتم: یک روز به نیابت از رسول خدا صلی الله علیه و آله طواف کردم.

امام جواد علیه السلام سه مرتبه فرمود: درود خدا بر رسول خدا. سپس روز دوم به نیابت امیر مؤمنان علیه السلام روز سوم به نیابت از امام حسن علیه السلام. روز چهارم به نیابت از حسین بن علی علیهما السلام. روز پنجم به نیابت از علی بن الحسین علیهما السلام، روز ششم به نیابت از ابوجعفر محمد بن علی (الباقر) علیهما السلام، روز هفتم به نیابت از جعفر بن محمد (الصادق) علیهما السلام، روز هشتم به نیابت از پدرت (جد شما) موسی بن جعفر علیهما السلام، روز نهم به نیابت از پدرت علی (بن موسی الرضا) علیهما السلام، و روز دهم به نیابت از شما ای آقای من و اینها کسانی هستند که به ولایتشان پایبندم. آنگاه امام جواد علیه السلام فرمود: در این صورت به دینی اعتقاد داری که خداوند جز آن را از بندگانش نپذیرد.

گفتم: گاهی نیز به نیابت از مادرت فاطمه علیها السلام طواف می‌کردم. امام جواد علیه السلام فرمود:

به نیابت از فاطمه علیها السلام زیاد طواف کن و این برترین کاری است که انجام می‌دهی، ان شاء الله. (کافی ج ۴ ص ۳۱۴)

۱۷ - آداب خروج از مکه

برای خروج از مکه نیز آدابی ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- صدقه دادن

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر گاه خواستی از مکه بیرون روی، یک درهم خرما خریده، آن را مشت مشت صدقه بده (یعنی اکتفا به دادن یک عدد خرما نکن و بیشتر بده)، پس این صدقه، کفاره گناهان تو در حال احرام و مدت اقامت در مکه خواهد بود.» (کافی ج ۴ ص ۵۳۳)

۲- وداع با کعبه

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه تصمیم گرفتی از مکه بیرون روی و نزد خانواده‌ات برگردی، هفت شوط طواف بگزار و با کعبه وداع کن و اگر بتوانی در هر شوط، حجر الأسود و رکن یمانی را استلام کنی، چنین کن و اگر نتوانستی تنها در آغاز و پایان هر طواف استلام کن، و اگر آن را هم نمی‌توانی، مانعی ندارد (طواف خود را پایان ده و لزومی به استلام حجر نیست). (کافی ج ۴) قاسم بن کعب گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

آیا پیوسته حج می‌روی؟ گفتم: آری. فرمود: آخرین دیدار تو، با کعبه این چنین باشد که دست بر در کعبه بگذار و بگو:

«الْمَسْكِينُ عَلَىٰ بَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ». (کافی ج ۴ ص ۵۳۰) «بینوا بر درگاه تو است، پس بهشت را به او عطا فرما!»

امام صادق علیه السلام وقتی می‌خواست با خانه خدا وداع کند و از مسجد الحرام بیرون آید، نزدیک در مسجد، مدت زیادی به سجده می‌افتاد و سپس برخاسته، از مسجد خارج می‌شد. (کافی ج ۴ ص ۵۳۰)

ابراهیم بن ابی محمود نیز گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که با کعبه وداع می‌کرد، پس آن گاه که خواست از در مسجد بیرون رود به سجده افتاد، سپس برخاست و رو به کعبه کرد و گفت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْقَلِبُ عَلَىٰ آلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». (کافی ج ۴ ص ۵۳۱) «بار خدایا! من برمی‌گردم و بر این باورم که جز تو معبودی نیست.»

د - زیارت پیامبر و معصومین (ع)

۱ - حج کامل

اعزام زائران ایرانی به حرمین شریفین، به گونه‌ای برنامه ریزی شده که برخی از آنان مدینه قبل و برخی دیگر مدینه بعد هستند، از روایات این گونه فهمیده می‌شود که ابتدا به مکه رفتن و پس از انجام مناسک حج به مدینه آمدن افضل و ارجح است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ». (کافی ج ۴ ص ۵۴۹) «تمام شدن حج و کمال آن به دیدار با امام است.»

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر گاه یکی از شما حج انجام داد، حج خود را با زیارت ما به پایان برد؛ زیرا این وسیله کمال و اتمام حج است.» (علل الشرائع ص ۵۴۹)

سدیر نیز گوید: در حالی که دست من در دست امام باقر علیه السلام بود، حضرت رو به کعبه کرد و فرمود:

ای سدیر؛ مردم مأمور شده‌اند تا نزد این سنگ‌ها آمده، آن را طواف کنند، سپس پیش ما آمده و دوستی و پیوند خودشان را به ما اعلام دارند. (کافی ج ۱ ص ۳۹۲) دلیل این اقدام نیز در بیان امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

«... وَأَنْ يَلْقُونَا حَيْثُ كُنَّا، نَحْنُ الْأَدِلَّةُ عَلَى اللَّهِ». «و اینک هر کجا که هستیم نزد ما آیند، (زیرا) ما راهنمایان به سوی خداوندیم.»

یعنی حاجی در حج، از گناه پاک شده و از راه و رسم و اعمال غلط فاصله می‌گیرد و در نتیجه برای آنکه بار دیگر گرفتار خطا نشود نیازمند الگوی مناسب است، این الگو همان امامان و پیشوایان دینی هستند که با مراجعه و تبعیت از آن‌ها، انسان به خدا دست می‌یابد و به هدف اصلی از خلقت نائل می‌گردد.

۲ - آداب زیارت

در روایات، برای زیارت آدابی ذکر شده که برخی از آن‌ها مخصوص موارد خاصی است، لیکن برخی از این آداب که تقریباً جنبه عمومی داشته و به نوعی، به همه اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه ارتباط پیدا می‌کند عبارتند از:

۱- غسل کردن پیش از بیرون رفتن برای زیارت.

۲- ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه.

- ۳- اگر چند امام را زیارت می‌کند، برای زیارت هر امام یک غسل کند.
- ۴- خواندن دعای مأثور در وقت غسل کردن.
- ۵- طاهر بودن، به این معنی که غسل واجبی به گردن نداشته و با وضو باشد.
- ۶- پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه.
- ۷- جامه سفید پوشیدن.
- ۸- لباس نو پوشیدن.
- ۹- هنگام رفتن به زیارت گام‌ها را کوتاه برداشتن و به آرامی و با وقار حرکت کردن.
- ۱۰- عطر زدن و خود را خوشبو کردن (غیر از زیارت کربلا).
- ۱۱- هنگام رفتن به زیارت، ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ» ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتن و صلوات فرستان بر پیغمبر و آل او.
- ۱۲- بر در حرم ایستادن و اذن دخول خواندن به کلمات مأثوره.
- ۱۳- تلاش در جهت تحصیل رقت قلب، سوزش دل و خضوع.
- ۱۴- سجده برای خداوند به منظور تشکر از این نعمت الهی.
- ۱۵- مقدم داشتن پای راست هنگام ورود، و پای چپ هنگام خروج.
- ۱۶- ایستادن در وقت زیارت، اگر عذری ندارد.
- ۱۷- سر به زیر انداختن و به بالا و طرف راست و چپ توجه نکردن.
- ۱۸- خواندن زیارت‌های مأثور و ترک زیارت‌های مختصره.
- ۱۹- خواندن نماز زیارت که اقل آن دو رکعت است.
- ۲۰- خواندن دعا‌های وارده، بعد از نماز و زیارت.
- ۲۱- خواندن مقداری از قرآن و هدیه کردن به روح مقدس صاحب آن مرقد شریف.
- ۲۲- نماز واجب را بر نماز زیارت مقدم داشتن و اگر مشغول زیارت بود و «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» را شنید، زیارت را ترک و در نماز جماعت شرکت کند.

۲۳- زیارت کردن برای پدر و مادر و دوستان و نزدیکان و به نیابت ایشان سلام کردن و برای آنها طلب مغفرت نمودن.

۲۴- ترک سخنان ناشایست و کلمات لغو و بیهوده و صحبت‌های دنیایی که همیشه در هر جا مذموم و مانع رزق و جالب قساوت قلب است، به خصوص در بقاع مقدس.

۲۵- بلند نکردن آواز و صدای خود در آن مشاهد شریفه برای هر علتی که باشد.

۲۶- وداع با صاحب آن مرقد شریف در وقت بیرون آمدن از آن شهر.

۲۷- قصد مراجعت داشتن به آن مکان مقدس هنگام وداع.

۲۸- بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود، نسبت به پیش از زیارت.

۲۹- انفاق و احسان بر فقرا و مساکین و مجاوران آن بقعه.

الحمد لله رب العالمین